

**فصلنامه‌ی لسان مبین (پژوهش ادب عربی)
(علمی - پژوهشی)**

سال دوم، دوره‌ی جدید، شماره‌ی چهارم، تابستان ۱۳۹۰
(حکیم سنایی غزنوی و ادب عربی)

«تحلیل و بررسی توان مندی سنایی غزنوی در بکارگیری هنری قرآن»*

دکتر محمد شفیع صفاری
استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

چکیده

ادبیات تعلیمی و غنایی ما، بویژه در بخش عرفانی، از سرچشمه‌ی فیاض انوار تجلی حق و سخنان پیام‌آور راستین که: «و ما یَنطِقُ عَنِ الْهَوَى» بهره‌ها گرفته است؛ چنانکه مطالعه‌ی آن آثار، پس از گذشت قرن‌ها، تاریکی را از دل‌ها می‌زداید و به انوار حق منور می‌گرداند؛ از این رو، آثار سنایی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ و ... که از این آب حیات برخوردار شده‌اند، زندگی جاوید یافته‌اند.

سنایی، پدر شعر عرفانی فارسی، یکی از این بزرگان آسمان ادب ایران می‌باشد. او در قصیده‌ای، مهارت و هنرمندی خود را در بکارگیری قرآن کریم و احادیث نشان داده است. موضوعی که نگارنده در این گفتار قصد بررسی و تحلیل دقیق تر آن را دارد.

سنایی غزنوی، در این قصیده‌ی جذاب و دلنشین، از روی تفنّن و هنرنمایی و به شیوه‌ی التزام، تمام بیت‌ها را با زیور آیات و احادیث زینت بخشیده است؛ بویژه اینکه این زیورهای نورانی را، علاوه بر مصراع نخست بیت‌ها، در مصراع دوم در جایگاه قافیه به طریق اقتباس، تلمیح، ترجمه، حل، عقد، درج و تضمین به کار برده است. لازم به یادآوری است سنایی از شعر و ادب عرب اطلاع و آگاهی‌های فراوانی داشته است. چیزی که در لابه لای آثار او به خوبی مشهود است.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، ادب عرب، شعر فارسی، سنایی، اقتباس و تلمیح، ترجمه، حل و عقد.

* - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۱/۱۰ تاریخ پذیرش نهائی: ۱۳۹۰/۰۵/۲۰

نشانی پست الکترونیکی نویسنده: mshsaffari@tahoo.com

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ. (اسراء: آیه ۹)

قرآن آخرین کتاب آسمانی است که بر خاتم پیامبران، نخبه و نقاوهی عالم بشریت، ذروهی آدمیت، پرچمدار حمد و صدرنشین دادگاه روز قیامت نازل گردید و با پرتو نور هدایت خود به وسیلهی پیامبر خدا و ائمه‌ی هدی و اولیاءالله، آن خاکیان افلاکی، انسان را از ظلمات خاک، با آب حیات عشق و معرفت، به اوج افلاک رسانید؛ چنانکه قافله‌سالار بشریت در معراج براق شوق به کوی دوست جهانید و امین وحی، آن سبکبال دورپرواز، با آن همه شور و وجد و حال، مرکب عجز دراستانید و گفت: «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» و چون سید ولد آدم دلیل پرسید، گفت: «لَوْ دُنُوتٌ أَنْمَلَةً لَأَحْتَرَقْتُ». (فروزانفر، ۱۳۶۱: ۷۳؛ مناوی، ۱۹۷۲: ۲۷۲)

نور معرفت و هدایت قرآن، که از منبع فیاض انوار حق بر آینه‌ی دل‌ها تابیده، دل‌هایی را آنچنان به وجد و شوق درآورده که ذره‌وار چرخ‌زنان تا خورشید به بالا گراییده‌اند. ادبیات تعلیمی و غنایی ما، بویژه در بخش عرفان، از این سرچشمه‌ی فیاض انوار تجلی حق و سخنان پیام‌آور راستین که: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» بهره‌ها گرفته است؛ چنانکه مطالعه‌ی آن آثار، پس از گذشت قرن‌ها، تاریکی را از دل‌ها می‌زداید و به انوار حق منور می‌گرداند؛ از این رو، آثار سنایی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ و ... که از این آب حیات برخوردار شده‌اند، زندگی جاوید یافته‌اند.

۲- سنایی غزنوی به اختصار

ابوالمجد، مجدود بن آدم، ملقب به سنایی غزنوی، در سال ۴۶۷ هجری- قمری در غزنین دیده به جهان خاکی گشوده است و بعد از عمری حدود ۶۲ سال، با آوازه و شهرتی ماندگار احتمالاً در سنه ۵۲۹ هجری- قمری، چشم از جهان خاکی فرو بسته و به دیدار خدای خویش شتافته است. (زرین کوب، ۱۳۷۰: ۶۶) مزارش در این شهر زیارتگاه مردم است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۴)

از حیث اعتقادات: اظهارنظر با قطع و یقین در مذهب سنایی بسیار دشوار است اما با صراحت می‌توان گفت سنایی محبت خاص به حضرت علی و خاندان او و مخالفت با معاویه را کتمان نکرده است.

۲-۱- جایگاه سنایی غزنوی در شعر و ادب

بی‌تردید سنایی از شاعران، ادیبان و عارفان برجسته و نامور ادب فارسی است. در سبک شاعری گاهی تابع عنصری و فرخی بوده، قصاید او استادانه است. او گاهی نیز تابع مسعود سعد سلمان بوده است. به مرور زمان اندیشه و افکار وی دچار تحولات شگرفی

می گردد. (فتوحی و محمد خانی، ۱۳۸۵: ۳۲) و به وادی عزلت، و تقوا و عرفان و زهد گام می نهد. (زرین کوب، ۱۳۷۰: ۱۶۷؛ وزین پور، ۱۳۷۴: ۲۲۶) به گونه ای که از پایه گذاران ادبیات منظوم عرفانی ایران به شمار می آید. (خرمشاهی، ۱۳۷۳: ۴۲) قصاید حکیم سنایی در واقع بازتاب تجارب روحانی عارفان مشهور قرون ۲ و ۳ و ۴ هجری است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۲۳) بزرگان و شاعران زیادی از جمله، خاقانی، سلمان ساوجی، جمال الدین عبد الرزاق اصفهانی، مجیر بیلقانی و گروهی دیگر از سبک، شیوه و اندیشه های او پیروی نموده اند. (فروزانفر، ۱۳۵۰: ۲۱۱؛ سجادی، ۱۳۷۴: ۴۷)

۲-۲- از سنایی آثار متعددی به جای مانده است: کلیات دیوان، حدیقة الحقیقه، سیر العباد الی المعاد، کارنامه بلخ، تحریمه القلم، مکاتیب سنایی. اما مثنوی های طریق التحقیق، عقل نامه، عشق نامه سنایی آباد و منظومه های دیگر را اگر چه منسوب به سنایی دانسته اند اما از لحاظ سبکی تناسبی با سخن سنایی ندارد.

۳- سنایی غزنوی و ادب عرب

در زمینه ی عربی دانی و یا تسلط سنایی غزنوی به زبان و ادب عرب و علوم مرتبط با آن بالأخص قرآن و حدیث، هیچ جای اختلافی میان علمای قدیم و جدید وجود ندارد البته این امر تا حدودی طبیعی جلوه می کند: چرا که اوضاع فرهنگی، ادبی و اجتماعی و شرایط تاریخی آن زمان به گونه ای بوده که عموم ارباب شعر و ادب از آگاهی و تسلط بر ادب عرب گزیر و گریزی نداشته اند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۲۷)

پژوهشگر در ادبیات فارسی قرون ۳ تا ۱۲ هجری، چندان محتاج صرف وقت برای اثبات عربی دانی و آگاهی و اشراف شاعران و ادیبان ایرانی و پارسی گو بر ادب عرب نمی باشد، مگر در مواردی اندک. حکیم سنایی غزنوی از جمله این شاعران و ادیبانی است که در اکثر آثار منظوم و منثور او اثر پذیری از ادب عرب پیداست، این موضوع، بالأخص وقتی به قرآن و حدیث بر می گردد، به غایت جدی و مهم می گردد، به همین دلیل شاید بتوان گفت، از میان شاعران این دوره، کمتر کسی به اندازه سنایی به قرآن و بکارگیری هنری آن در آثار خود توجه نموده است. (زرقانی، ۱۳۷۸: ۱۷؛ سجادی، ۱۳۷۴: ۳۲)

۴- پیشینه ی تحقیق

در زمینه ی تأثیر پذیری سنایی غزنوی از قرآن و حدیث و ادب عرب کم و بیش کارهایی در قالب پایان نامه و یا در قالب مقاله هایی پراکنده، صورت گرفته است، از جمله «تأثیر دقایق و لطایف بلاغی قرآن کریم در ادب فارسی» نوشته خانم اکرم میر جلیل که بخشی از آن به بررسی این موضوع در آثار حکیم سنایی، و مابقی آن به بررسی موضوع

در آثار حافظ و سعدی اختصاص یافته است. (میر جلیل، ۱۳۷۵: ۱۱۲ به بعد) که البته این تحقیق منحصر به سنایی غزنوی، که موضوع بحث این مقاله است نمی باشد. همچنین پایان نامه ای با عنوان «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی»، مشتمل بر مواردی که خواجه حافظ و سنایی غزنوی از قرآن و حدیث استفاده کرده اند، توسط «مصطفی شهابی قریب» و به راهنمایی مدرس رضوی تألیف شده است که باز با موضوع این مقاله متفاوت است. (شهابی قریب، ۱۳۴۶: ۳۷ به بعد)

همچنین پایان نامه ای با عنوان «تأثیر آیات و احادیث و اخبار در مخزن الاسرار نظامی و مقایسه ی آن با حدیقه سنایی»، (افخمی ستوده، ۱۳۸۵: ۳۷ به بعد) در این رابطه نوشته شده است که باز هم با موضوع این مقاله چندان ارتباطی پیدا نمی کند.

۵- بحث

سنایی، پدر شعر عرفانی فارسی، قصاید انتقادی، اجتماعی، عارفانه و عاشقانه‌ی فراوانی دارد. یکی از این قصاید که شایان توجه است، با این مطلع شروع می‌شود:

ای منزّه ذات تو عمّا یقول الظّالمون گفت علمت جمله را مالم تکنونا تعلّمون
(سنایی غزنوی، بی تا: ۵۳۳)

در این قصیده‌ی جذّاب و دلنشین، سنایی از روی تفنّن و هنرنمایی و به شیوه‌ی التزام، تمام بیت‌ها را با زیور آیات و احادیث زینت بخشیده است؛ بویژه اینکه این زیورهای نورانی را، علاوه بر مصراع نخست بیت‌ها، در مصراع دوم در جایگاه قافیه به کار برده است و مهارت و تسلط خود را به‌خوبی نشان داده است.

مولانا که همه جا از سنایی با احترام یاد می‌کند و او را حکیم غیب و فخرالعارفین می‌نامد:

ترک جوشی کرده‌ام من نیم‌خام از حکیم غزنوی بشنو تمام
در الهی‌نامه گوید شرح این آن حکیم غیب و فخرالعارفین
(مولوی، ۱۳۵۹، ج ۴: ۱۹۷)

و مثنوی معنوی را به پیروی از حدیقه (الهی‌نامه) سروده است؛ غزلی به وزن و قافیه‌ی این قصیده‌ی سنایی دارد و تمام بیت‌های غزل خود را با آیات مبارک قرآن زینت بخشیده است که در ذیل چند بیت نقل می‌شود:

بانگ آید هر زمانی زین رواق آبگون آیت انا بنیناها و انا موبسعون
(ذاریات: ۴۷؛ مولوی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۹۹۶)

که شنود این بانگ را بی‌گوش ظاهر دم‌به‌دم؟ تائبون العابدون الحامدون السائحون
(همان: ۹۹۶؛ توبه: ۱۱۲)

نردبان حاصل کنید از ذی المَعَارِجِ بروید
 تَعْرَجُ الرُّوحُ إِلَيْهِ وَالْمَلَائِكُ أَجْمَعُونَ
 (همان: ۹۹۶؛ معارج: ۴)

کی تو را شد نردبان چرخ نَجَّارِ خیال؟
 ساخت معراجش ید کُلِّ الینا راجعون
 (همان، ۹۹۶؛ انبیا: ۹۳)

تا تراشیده نگردی تو به تیشه‌ی صبر و شکر
 لایلقیها فرومی‌خوان و إِلَّا الصَّابِرُونَ
 (همان: ۹۹۶؛ قصص: ۸۰)

البته سنایی در حدیقه نیز آنجا که در ستایش سرور عالم، حضرت ختمی مرتبت (ص)، داد سخن می‌دهد، بیت‌های متعددی را با هنرنمایی و استادی تمام با زیور آیات و احادیث آذین می‌بندد که برای نمونه و جهت اختصار چند بیت نقل می‌شود:

لِمَ تَعْبُدُ كَلَاهُ كُونَ وَ فِسَادُ	يَسُّ يُغْنِي قِبَاي عِيدُ مَعَادُ
رَبِّ هَبْ لِي بِنَاي مَلِكُ اَبَدُ	نَقْدُ لَا يَنْبَغِي نَظْرُ بَهْ جُدُدُ
كُرْدَه يَا سِينِ عَاقِبَتِ حَاصِلُ	اَمْرُ قُلِّ لَنْ يُصَيِّبَنَا بَرْدُ دَلُ
اِتَّقِ اللّٰهَ نَقَابِ رُويِ عَمَلُ	لَا تَخَافُوا خَطَابِ دَسْتِ اَمَلُ
اُنظُرُوا كَيْفَ مُسْرِفِ الْاَنْدَارُ	وَ اذْكُرُوا اِذْ مُعْرِفِ الْاَسْرَارُ
اَهْبِطُوا اَمْرُ اَمْدِ اَزْ قُرْآنُ	پَا سَخْشِ رَبَّنَا ظَلَمْنَا خَوَانُ
اِنْ شَرَّ الدَّوَابِّ مَخْتَصِرَانُ	اَهْلُ حُسْنِ الْمآبِ مَعْتَبِرَانُ
يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ بِرِيْدِ وَفَا	يَوْمَ لَا تَمْلِكُ اِبْتِدايِ شِفَا
وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَرَا رَهْبِرُ	وَ افْعَلُوا الْخَيْرِ رَهْنَمَايِ ظَفِرُ
وَ جَزَاهُمْ قِبَايِ جَمْعِ بَقَا	وَ سَقَاهُمْ شِفَايِ اَهْلِ شَقَا

(سنایی، ۱۳۵۹: ۲۱۰)

در روزگار معاصر نیز شادروان الهی قمشه‌ای در یک قصیده‌ی بلند که در شبی نورانی در حریم آسمانی حضرت رضا - علیه السلام - سروده، سوره‌های قرآن را یک‌یک نام برده و چنانکه خود می‌گوید: جبرئیل به وحی عشق بر او نازل شده و مدح و ثنای امیر مؤمنان را بر زبانش جاری کرده است. اینک چند بیت جهت اختصار نقل می‌شود:

جبرئیل آمد به وحی عشق و برخواند آفرینم	گفت برگو مدح شاه دین امیرالمؤمنینم
... سوره‌ی سُبْحِ الْمَثَانِي فَاتِحِ امِّ الْكِتَابِ	دردمندان را شفا از لطف حق در آستینم
در الف لامیم اوّل شاهد لاریب فیهم	در الف لامیم ثانی آل عمران را معینم
آمِرِ اَتْوَالِنِسَاءِ وَ اِنْ فَضَّلَ اللّٰهُ الْمَجَاهِدِ	بهترین برهان رب روشنترین نور مبینم
مآئده انعام انعامم ز الطاف الهی	مالک اعراف و انقالم جهانی خوشه‌چینم

چون برائت تیغ آتشبار من شد کافران را بر کف قهر خدا شمشیر حق بر مشرکینم...

(الهی قمشه ای، ۱۳۷۴: ۵)

۶- اشکالات موجود در قصیده

در این مقاله ابتدا به یاری آیات، اشکالات نسخه‌ای این قصیده مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن، شیوه‌ی استادانه و هنرمندانه‌ای که سنایی در استفاده از آیات به کار برده است، از جهت دستوری و بلاغی تحلیل می‌شود.

در این قسمت ضمن ارج نهادن به زحمات زنده‌یاد، استاد مدرس رضوی، مصحح دیوان سنایی، یادآور می‌شود که اشکالات نسخه‌ای در این قصیده قابل توجه است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود و موارد تحلیلی دیگر در پی آن می‌آید؛ لذا جهت رعایت اختصار موارد نادرست در سمت راست و موارد درست در سمت چپ ذکر می‌شود:

درست

نادرست

بیت ۱ مصراع ۲:

گفت عَلِمْتُ جمله را مالم تَکُونُوا تَعْمَلُونَ
گفت علمت جمله را ما لم تَکُونُوا تَعْلَمُونَ
(سنایی، ۱۳۸۰: ۵۳۳؛ بقره: ۱۵۱)

بیت ۳ مصراع ۲:

گفته‌ای آن اَبْرُمُوا اَمْرًا فَاَنَا مُبْرَمُونَ
گفته‌ای ام اَبْرُمُوا اَمْرًا فَاَنَا مُبْرَمُونَ
(همان: ۵۳۳؛ زخرف: ۷۹)

بیت ۴ مصراع ۲:

با ندایت ارجعی کلّ الینا یرجعون
با ندایت ارجعی کلّ الینا یرجعون
(همان: ۵۳۳؛ انبیا: ۹۳)

بیت ۶ مصراع ۲:

ای بشارع گفته فی الخیرات بل لایشعرون
ای بشارع گفته فی الخیرات بل لایشعرون
(همان: ۵۳۳؛ مؤمنون: ۵۶)

بیت ۱۰ مصراع ۱:

جادوان گفتند آمنا بربّ العالمین
جادوان گفتند آمنا بربّ العالمین
(همان: ۵۳۳؛ مؤمنون: ۵۶)

بیت ۲۲ مصراع ۲:

مگذر از دنیا برون الآ و انتم مُسلمون
مگذر از دنیا برون الآ و انتم مُسلمون
(همان: ۵۳۳؛ بقره: ۱۳۲)

بیت ۲۴ مصراع ۲:

در مقام قرب با روحانیان مآتشتهون

در مقام قرب با روحانیان مآیشتتهون

(شعرا: ۴۷؛ همان: ۵۳۵)

بیت ۲۹ مصراع ۱:

شاکر انعام حق باش ای سنایی روز و شب
(همان: ۵۳۶)

شاعر انعام حق باش ای سنایی روز و شب

بیت ۳۳ مصراع ۲:

گفته همچون عامل عالم فإنا عاملون
(همان: ۵۳۶؛ هود، ۱۲۱؛ فصلت، ۵)

گفته همچون عامل عالم فإنا عالمون

بیت ۳۴ مصراع ۲:

السَّابِحُونَ الرَّاکِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ
(همان: ۵۳۶)

السَّابِحُونَ الرَّاکِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ

۷- شیوه سنایی و مهارت های او

سنایی با توجه به قریحه و نبوغ فکری و ذوق سرشاری که دارد، در به‌کارگیری از آیات و درج آن در کلام خود چنان مهارتی نشان داده است که هر کدام از آیات مثل ترکیبات، کلمات و عبارات‌های فارسی در جایگاه دستوری ویژه‌ای قرار گرفته‌اند؛ چنانکه جمله بدون آن ناتمام است. اینک به برخی از موارد اشاره می‌شود:

ای منزّه ذات تو عمّا یقول الظّالمون گفت علمت جمله را مالم تکنونوا تعلّمون
(سنایی فزنوی، ۱۳۸۰: ۵۳۳)

که «عمّا یقول الظّالمون» در جایگاه متمّم و «مالم تکنونوا تعلّمون» مفعول است.

گوش حسّ باطنم کر باد اگر نشنوده‌ام با ندایت ارجعی کلّ الینا راجعون
(همان: ۵۳۳)

که «ارجعی» بدل و عطف بیان از «ندایت» و «کلّ الینا راجعون» مفعول است.

هست در توفیق تو طاعت رفیق بندگان ای نَسارع گفته فی‌الخیرات بل لا یَشعرون
(همان: ۵۳۳)

که برای رعایت وزن کلمات فارسی در ضمن آیه‌ی مبارکه به کار رفته و البته آیه در نقش مفعولی آمده است.

بت پرستیدن همی دنیا پرستیدن بدان هست در کفران نعمتشان و اَنتم تکفرون
(همان: ۵۳۴)

که «و اَنتم تکفرون» فاعل جمله است.

دین دینداران بماند، مال دنیادار نه مرد را بس دین به از دنیا و مَما یجمعون
(همان: ۵۳۴)

که «و مَما یجمعون» معطوف است به دنیا و نقش متمم دارد.

۸-۱ استفاده ی هنری سنایی از فنون بلاغی در این قصیده

همچنین سنایی در این قصیده به طریق اقتباس، درج، تلمیح، ترجمه، حل و عقد از آیات نورانی قرآن و گاهی از احادیث شریف مدد جسته است. در این قسمت، ابتدا تعریف کوتاهی از هر یک از نکات بلاغی یادشده ذکر می‌شود و پس از آن، به مواردی که در این قصیده به کار رفته است، اشاره می‌شود:

۸-۱-۱ اقتباس: در اصل لغت به معنی پرتو و نور و فروغ گرفتن است و در اصطلاح اهل ادب، آن است که حدیثی یا آیتی از کلام‌الله مجید یا بیت معروفی را بگیرند و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است، نه سرقت و انتحال. (همائی، ۱۳۵۴: ۳۸۳) (و نیز ر. ک: تفتازانی، ۱۴۰۹: ۴۷۱؛ جرجانی، ۱۹۳۸: ۱۴؛ هاشمی، ۱۳۷۶: ۴۱۴؛ زمخشری، ۱۴۰۱: ص ۲۴۲؛ مصاحب، ۱۳۸۰، ذیل اقتباس؛ راستگو، ۱۳۷۶: ۳۰)

۸-۲-۲ تلمیح: یعنی به گوشه‌ی چشم اشاره کردن و در اصطلاح بدیع، آن است که گوینده در ضمن کلام به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند و عین آن را نیاورد. (همائی، ۱۳۵۴: ۳۲۸-۳۸۶) و نیز ر. ک: تفتازانی، ۱۴۰۹: ۴۷۵؛ جرجانی، ۱۹۳۸: ۲۹؛ زمخشری، ۱۴۰۱، ج ۱: ۵۰۶؛ هاشمی، ۱۳۷۶: ۴۱۸؛ مصاحب، ۱۳۸۰: ذیل تلمیح)

۸-۳-۳ ترجمه: صنعت ترجمه را در کتاب‌های بدیع به این امر اختصاص داده‌اند که مابین شعرا و ادبای قدیم معمول بوده است که مضمون شعری را از زبان عربی به نظم فارسی یا از فارسی به نظم عربی نقل می‌کردند. (همائی، ۱۳۵۴: ۳۷۴) و نیز ر. ک: مصاحب، ۱۳۸۰: ذیل ترجمه؛ زمخشری، ۱۴۰۱، ج ۱: ۴۱۴؛ راستگو، ۱۳۶۷: ۴۱۴)

۸-۴-۴ عقد: عبارت است از به نظم کشیدن نثر به طور مطلق، نه به شکل اقتباس، و از شرایط آن، این است که تمام الفاظ نثر یا بیشتر آن گرفته می‌شود و ناظم چیزی به آن بیفزاید یا از آن بکاهد تا بتواند در وزن شعر داخل شود. (هاشمی، ۱۳۸۰: ۴۵۸) و نیز ر. ک: هاشمی، ۱۳۷۶: ۴۱۸؛ تفتازانی، ۱۴۰۹: ۴۷۴؛ زمخشری، ۱۴۰۰، ج ۲: ۱۱۹۲؛ همائی، ۱۳۵۴: ۳۴۱)

۸-۵-۵ حل یا تحلیل: در لغت یعنی از هم بازکردن و گشودن، و در اصطلاح ادیبان، گرفتن الفاظ آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیثی از احادیث یا شعری از اشعار یا مثلی در گفتار و نوشتار است با خارج ساختن آن از وزن یا صورت اصلی‌اش به طور کامل یا ناقص.

(راستگو، ۱۳۷۶: ۵۸) و نیز ر. ک: هاشمی، ۱۳۷۶: ۴۱۸؛ زمخشری، ۱۴۰۰، ج ۱: ۷۰۳؛ همائی، ۱۳۵۴: ۳۷۲؛ مصاحب، ۱۳۸۰: ذیل حل)
 البته تعریف موارد یادشده در کتاب‌های بلاغی در برخی از موارد نظیر حل و عقد اختلاف زیاد دارد و ممکن است آنچه در این قصیده حل نامیده می‌شود، دیگری آن را عقد یا اقتباس بداند.

۹- تحلیل مسائل هنری قصیده

در این بخش مسائل هنری و توانمندی سنایی غزنوی در استفاده از دقایق بلاغی با تکیه بر آیات قرآنی در قصیده یاد شده تحلیل و بررسی می‌شود.

ای منزّه ذات تو عمّا یقول الظالمون گفت علمت جمله را مالم تکونوا تعلمون
 (سنایی غزنوی، ۱۳۸۰: ۵۳۳)

مصراع اول اشاره است به آیه‌ی: سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ عَمَّا یَقُولُونَ عُلُوًّا کَبِیْرًا (اسراء: ۴۳).

مصراع دوم اشاره است به آیه‌ی: ... وَ یُعَلِّمُکُمْ مَا لَمْ تَکُونُوا تَعْلَمُونَ (بقره: ۱۵۱).

مصراع اول با توجه به تغییری که در آیه ایجاد شده است، دارای صنعت «ترجمه و حل» و مصراع دوم «اقتباس» است.

چون منزّه باشد از هر عیب ذات پاک تو جای استغفارشان باشد و هم یستغفرون
 (همان: ۵۳۳)

مصراع اول دارای «تلمیح» است و اشاره است به آیه‌ی ۴۳ اسراء: سبحانه و تعالی عمّا یقولون علواً کبیراً و آیه‌ی ۱۰۰ انعام: سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ عَمَّا یَصِفُونَ.

مصراع دوم «اقتباس» است از آیه‌ی ۳۳ انفال: وَ مَا کَانَ لِلّٰهِ مَعْدِبُهُمْ وَ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ. و نیز آیه‌ی ۱۸ ذاریات: وَ بِالْاَسْحَارِ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ.

امر امر توست یارب! با پیمبر در نبی گفته‌ای ام ابرموا امراً فاننا مبرمون
 (همان: ۵۳۳)

مصراع اول دارای صنعت ترجمه و اشاره است به آیه‌ی ۳۱ رعد: بَلْ لِلّٰهِ الْاَمْرُ جَمِیْعًا. و آیه‌ی ۱۵۴ آل عمران: قُلْ اِنَّ الْاَمْرَ کُلُّهُ لِلّٰهِ.

مصراع دوم «اقتباس» است از آیه‌ی ۷۹ زخرف: اَمْ اَبْرَمُوا اَمْرًا فَاَنَّا مُبْرَمُونَ.

گوش حسّ باطنم کر باد اگر نشنوده‌ام با ندایت ارجعی کلّ الینا راجعون
 (همان: ۵۳۳)

مصراع دوم «اقتباس» است از آیه‌ی ۲۸ فجر: اِرْجِعِ اِلٰی رَبِّکِ رَاضِیَةً مَرْضِیَّةً. و آیه‌ی

۹۳ انبیاء: وَ تَقَطَّعُوا اَمْرَهُمْ بَیْنَهُمْ کُلُّ الْاِیْنَا رَاجِعُونَ.

در ازلمان گفته‌ای لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِي دیگران را گفته‌ای مِنْهُمْ اِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ
(همان: ۵۳۳)

مصراع اول و دوم دارای صنعت «حلّ» است و اشاره است به آیه‌ی ۵۳ زمر: لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا.

مصراع دوم اشاره است به آیه‌ی ۳۶ روم: وَ اِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمْتْ اَيْدِيَهُمْ اِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ.

هست در توفیق تو طاعت رفیق بندگان ای نَسَارِعْ كَفْتَهُ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ
(همان: ۵۳۳)

مصراع اول «تلمیح» است به آیه‌ی ۸۸ هود: وَ مَا تَوْفِيقِي اِلَّا بِاللَّهِ. وَ مصراع دوم «اقتباس» است از آیه‌ی ۵۶ مؤمنون: نَسَارِعْ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ.
در جزا و در سزای کس تو مستعجل نه‌ای گفته‌ای هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ
(همان: ۵۳۳)

مصراع اول «تلمیح» است به آیه‌ی ۶۱ نحل: وَ لَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَا كُنْ يُؤْخِرُهُمْ اِلَىٰ اَجَلٍ مُّسَمًّى فَاِذَا جَاءَ اَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ.

مصراع دوم اقتباس است از آیه‌ی ۱۴ ذاریات: ذُوْقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ.
گر بهشت و دوزخ اندر کسب کس مضر بود گو بهشت و دوزخ از کسب است ممّا یکسیون
(همان: ۵۳۴)

مصراع اول «تلمیح» است به آیه‌ی ۳۹ نجم: وَ اَنْ لَيْسَ لِلانْسَانِ اِلَّا مَاسَعِي. وَ آیه‌ی ۲۸۱ بقره: ثُمَّ تَوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ. وَ مصراع دوم اقتباس است از آیه‌ی ۷۹ بقره: فَوَيْلٌ لِّهٖم مِّمَّا كَسَبَتْ اَيْدِيَهُمْ وَ وَيْلٌ لِّهٖم مِّمَّا يَكْسِبُونَ.

آتش دوزخ نسوزد بنده را بی‌حجتی تا نگوید بارها اَنَا الْيَكْمُ مُرْسَلُونَ
(همان: ۵۳۴)

مصراع دوم «اقتباس» است به آیه‌ی ۱۴ یس: فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا اَنَا الْيَكْمُ مُرْسَلُونَ.
و آیه‌ی ۱۶ یس: قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ اَنَا الْيَكْمُ لِمُرْسَلُونَ.

جادوان گفتند اَمَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ گفته‌ای در جادوی اَنَا لِنَحْنِ الْعَالِبُونَ
(همان: ۵۳۴)

مصراع اول ترجمه و اقتباس است از آیه‌ی ۴۷ شعرا: قَالُوا اَمَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ.
مصراع دوم اقتباس است از آیه‌ی ۴۴ شعرا: فَالْقُوا حَبَالَهُمْ وَ عَصِيَّهُمْ وَ قَالُوا بَعْزَةَ فِرْعَوْنَ اَنَا لِنَحْنِ الْعَالِبُونَ.

مر زمین و آسمان را نیست چون تو خالقِی خلق مخلوقند و تو خالق و هم لایخلقون
(همان: ۵۳۴)

مصراع اول تلمیح است به آیه‌ی ۷۳ انعام: و هو الَّذی خلق السَّمواتِ والارضَ بالحقِّ.
و مصراع دوم دارای صنعت حل و اشاره است به آیه‌ی ۲۰ نحل: وَالَّذینَ یَدْعُونَ مِن
دُونِ اللّهِ لایُخْلِقُونَ شیئاً و هُم یُخْلِقُونَ. و آیه‌ی ۳ فرقان: وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللّهِ آلِهَةً لایُخْلِقُونَ
شیئاً و هُم یُخْلِقُونَ.

حافظ و ناصر تویی مر بندگان خویش را کیست جز تو حافظ و ناصر و هم لاینصرون
(همان: ۵۳۴)

مصراع اول تلمیح است به آیه‌ی ۶۴ یوسف: فَاللّهُ خیرُ حافظاً و هو ارحمُ الرَّاحمینَ.
مصراع دوم اقتباس است از آیه‌ی ۱۶ فصلت: وَلِعَذَابُ الآخِرَةِ اَخری و هم لاینصرون.
ای ز حق اعراض کرده چون پرستی بت همی حاجت از بت چون همی خواهی و هم لایسمعون
(همان: ۵۳۴)

مصراع اول و دوم ترجمه و اقتباس است از آیه‌ی فصلت: بشیراً و نذیراً فَأَعْرَضَ أَكثَرُهُمْ
فهم لایسمعون.

بت پرستیدن همی دنیا پرستیدن بدان هست در کفران نعمتشان و انتم تکفرون
(همان: ۵۳۴)

مصراع دوم دارای صنعت حلّ است و اشاره است به آیه‌ی ۳۵ انفال: فَذُوقُوا الْعَذَابُ بِمَا
كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ. و نیز دارای تلمیح است به آیه‌ی ۷ ابراهیم: و لئن کفرتم انّ عذابی لَشدیدٌ.
حق پرستی بهتر است از بت پرستی خلق را بت پرستی ز پرستی دان و کانوا یعبدون
(همان: ۵۳۴)

مصراع دوم اقتباس است از آیه‌ی ۴۰ سبا: ثُمَّ یقولُ الملائکَةُ اهلوا ایاکم کانوا یعبدون.
تا نگیرد دست مردان دامن دین هدی دین و دنیاشان همی گوید و هم لایهتدون
(همان: ۵۳۴)

مصراع اول تلمیح است به آیه‌ی ۱۰۳ آل عمران: واعتصموا بحبلِ اللّهِ جمیعاً و لاتفرّقوا.
و مصراع دوم اقتباس است از آیه‌ی ۲۴ نمل: و زینَ لهم الشیطانُ اَعْمالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ
السَّبیلِ فَهُمْ لایهتدون.

دین دین داران بماند، مال دنیا دار نه مرد را پس دین به از دنیا و مّا یجمعون
(همان: ۵۳۴)

مصراع دوم اقتباس است از آیهی ۱۵۷ آل عمران: و لئن قتلتم فی سبیل اللّٰه اَوْ مِتُّم لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللّٰهِ وَ رَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ. و آیهی ۵۸ یونس و آیهی ۳۲ زخرف.
گر مقدس گردد اندر مقدس قدسی کسی همچو قدوسان بود در خلد فیها خالدون
(همان: ۵۳۵)

مصراع دوم دارای صنعت حلّ است و اشاره است به آیهی ۸۲ بقره: وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.
ور کنی بر معرضه فرمان حق را عرض دین چون کنی اعراض گویندت و انتم معرضون
(همان: ۵۳۵)

مصراع دوم ترجمه و اقتباس است از آیهی ۸۳ بقره: ثُمَّ تَوَلَّيْتُمُ الْآقِلِيَّاءَ مِنْكُمْ وَ انْتُمْ معرضون.

هست در منشور دین توقیع امر و نهی تو امر و نهی را کنم اظهار کنتم تکتمون
(همان: ۵۳۵)

مصراع اول تلمیح است به آیهی ۳۱ رعد: بَلِ لِلّٰهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا. و آیهی ۱۵۴ آل عمران: قُلْ إِنْ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلّٰهِ.

مصراع دوم اقتباس است از آیهی ۲۹ نور: وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَبْدُونَ وَ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ.
در جهان روشنی باید برات حسن و جاه تا چو حسانی نگویندت فهم لایعقلون
(همان: ۵۳۵)

مصراع دوم اقتباس است از آیهی ۱۷۱ بقره: صُمُّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهَمْ لایعقلون.
ور چو سلمان با مسلمانی ز دنیا بگذری مگذر از دنیا برون الآ و انتم مسلمون
(همان: ۵۳۵)

مصراع دوم ترجمه و اقتباس است از آیهی ۱۳۲ بقره: إِنْ اللّٰهُ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ الْآءَ وَ انْتُمْ مسلمون.

مصراع اول تلمیح است به حدیث: سَلِمَانٌ مِّنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ. (المنای، ج ۴: ۱۰۶)
ور به جهد از زحمت اشکال حسّی نگذری در مقام قدس گویند آنهم لایذکرون
(همان: ۵۳۵)

مصراع دوم دارای صنعت حلّ است و اشاره است به آیهی ۱۴۲ نساء: وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ يُرَامُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللّٰهَ إِلَّا قَلِيلًا.
از مقام نفس حیوانی گذر کن تا چی در مقام قرب با روحانیون مایشتهون
(همان: ۵۳۵)

مصراع دوم اقتباس است از آیهی ۴۲ مرسلات: اِنَّ الْمَتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ وَفَوَاكِهٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ.

کمتراز نحلی نباید بود وقت انگبین نفع او اندر درخت و کوه مّمّا یعرشون
(همان: ۵۳۵)

مصراع دوم اقتباس است از آیهی ۶۸ نحل: اِنْ اتَّخَذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرَشُونَ.

عجز تو در ذکر فکرت زاد تو معجز شود گر ز عجز خلق گویند آنهم لایعجزون
(همان: ۵۳۵)

مصراع دوم اقتباس است از آیهی ۵۹ انفال: و لایحسبنّ الذّین کفروا سبّوا انهم لایعجزون.
دست در ایمان حق زن تا ز دوزخ بگذری تا به دوزخ در نگویندت فهم لایؤمنون
(همان: ۵۳۵)

مصراع دوم اقتباس است از آیهی ۵۵ انفال: اِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الذّین کفروا فهم لایؤمنون. و آیهی ۱۲، ۲۰ انعام و آیهی ۷ یس.

مصراع اول ترجمه است از آیهی ۱۰۳ آل عمران: واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا.
توشه از تقوا کن اندر راه مولی تا مگر در ره عقبی نگویندت فهم لایتقون
(همان: ۵۳۶)

مصراع اول ترجمه است از آیهی ۱۹۷ بقره: و تزودا فان خیر الزاد التّقوی.

مصراع دوم اقتباس است از آیهی ۵۵ انفال: الذّین عاهدت منهم ثمّ ینقضون عهدهم فی کلّ مرّة و هم لایتقون.

شاگرد انعام حق باش ای سنایی روز و شب تا چو بی شکران نگویندت فهم لایشکرون
(همان: ۵۳۶)

مصراع اول تلمیح است به آیهی ۷ ابراهیم: و اذ تأذن ربکم لئن شکرتم لازیدنکم.

مصراع دوم اقتباس است از آیهی ۶۰ یونس: اِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَ النَّاسِ لکن اکثرهم لایشکرون.

دست در فتراک صاحب شرع زن کایزد همی گوید او را بهر امرش یفعلوا مایومرون
(همان: ۵۳۶)

مصراع دوم دارای صنعت حلّ است و اشاره است به آیهی ۵۰ نحل: یخافون ربهم من فوقهم و یفعلون مایومرون. و آیهی ۶ تحریم: لایعصون الله ما امرهم و یفعلون مایومرون.

هر که لاخوف علیهم گوید اندر گوش تو هم تواند گفت در گورت و هم لایحزنون

مصراع اول اقتباس است از آیه‌ی ۳۸ بقره: فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا لَخُوفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

مصراع دوم هم اشاره به همین آیه است، اما به طریق حلّ. ظلم کم کن بر تن خود تا که ثبت از دست دین آید اندر نامه‌ی عمرت و هم لَا يُظْلَمُونَ (همان: ۵۳۶)

مصراع دوم اقتباس است از آیه‌ی ۲۸۱ بقره: ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ.

ای به علم بی عمل شادان در این دار فنا گفته همچون عامل عالم فانا عاملون (همان: ۵۳۶)

مصراع دوم دارای صنعت ترجمه و اقتباس است و اشاره است به آیه‌ی ۱۲۱ هود: وَ قُلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلٰی مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ. و آیه‌ی ۶۳ مؤمنون و آیه‌ی ۵ فصلت. شو بخوان التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمُرُونَ (همان: ۵۳۶)

بیت دارای صنعت عقد است و اشاره است به آیه‌ی ۱۱۲ توبه: التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.

نتیجه

از پژوهش یاد شده نتایج ذیل حاصل می‌گردد:

- سنایی غزنوی از قرآن و حدیث به ویژه از قرآن، بسیار متأثر بوده است. او در بکارگیری هنری قرآن در اشعار و سروده‌های خود، مهارت و توانمندی خارق العاده‌ای از خود نشان داده است.

- همچنین روشن شد که سنایی غزنوی علاوه بر توانمندی در بکارگیری هنری قرآن و حدیث در اشعار و آثار خود بر زبان و ادب عرب اشراف کامل داشته است.

- در این پژوهش مشخص گردید که سنایی از معدود شاعران عرفانی ایران قبل از مولوی است که بکارگیری هنری قرآن و حدیث را چاشنی قصاید و حتی غزلیات عرفانی خود نموده است.

کتابنامه

۱- قرآن مجید: ترجمه‌ی: محمد فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

- ۲- افخمی ستوده، مرضیه. (۱۳۸۵). «تأثیر آیات و احادیث و اخبار در مخزن الاسرار نظامی و مقایسه ی آن با حدیقه سنایی»، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، پایان نامه دکتری.
- ۳- الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۷۴). «قصیده‌ی قرآنی»، به خط غلامحسین امیرخانی، تهران: نشر بشارت.
- ۴- بقایی، محمد. (۱۳۸۷). «دیوان حکیم سنایی غزنوی»، تهران: انتشارات اقبال، چاپ دوم.
- ۵- التفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر. (۱۴۰۹ق). «کتاب المطول»، قم: مکتبه‌الداوری.
- ۶- التهانوی، محمدعلی بن علی. (بی تا). «کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم»، بیروت: دارخیاط. لاطا.
- ۷- جرجانی، میرسید شریف. (۱۹۳۸). «کتاب التعریفات»، القاهرة: دار المعارف، ط ۱.
- ۸- حلبی، علی اصغر. (۱۳۷۳). «تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی»، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۹- خرمشاهی، ضیاءالدین. (۱۳۷۳). «حافظ نامه»، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- ۱۰- راستگو، سیدمحمد. (۱۳۶۷). «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی»، تهران: سازمان سمت.
- ۱۱- -----، (۱۳۸۰). «گزینش گزارشی از حدیقه سنایی»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، چاپ اول.
- ۱۲- زرقانی، مهدی. (۱۳۷۸). «افقهای شعر و اندیشه ی سنایی»، تهران: نشر روزگار، چاپ اول.
- ۱۳- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۰). «با کاروان حله»، تهران: انتشارات علمی، چاپ ششم.
- ۱۴- سجادی، سید ضیاءالدین. (۱۳۷۴). «نفحه گر حدیقه ی عرفان»، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.
- ۱۵- سنایی غزنوی، ابوالمجد محدود بن آدم. (۱۳۵۹). «حدیقه‌الحقیقه و شریعة‌الطریقه»، تصحیح: مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۶- _____، _____، (۱۳۸۰). «دیوان»، تصحیح: مدرس رضوی، تهران: انتشارات کتابخانه‌ی سنایی، چاپ ۵.

- ۱۷- _____، _____، (بی تا). «کلیات اشعار»، چاپ عکسی، به کوشش: علی اصغر بشیر، افغانستان: مؤسسه ی انتشارات بیهقی.
- ۱۸- سیوطی، جلال الدین. (۱۳۲۱). «الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر»، القاهرة: دارالمعارف، ط ۱
- ۱۹- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۵). «تازیانه های سلوک»، تهران: انتشارات آگاه، چاپ هفتم.
- ۲۰- شهابی قریب، مصطفی. (۱۳۴۶). «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی»، تهران: دانشگاه تهران، پایان نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی.
- ۲۱- عبدالباقی، محمدفؤاد. (۱۳۶۴). «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم»، تهران: دارالقرآن الکریم.
- ۲۲- فتوحی، محمود و محمدخانی، علی اصغر. (۱۳۸۵). «شوریده ای در غزنه، اندیشه ها و آثار حکیم سنایی»، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.
- ۲۳- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۶۱). «احادیث مثنوی»، تهران: امیرکبیر.
- ۲۴- _____، _____، (۱۳۵۰). «سخن و سخنوران»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۲۵- مصاحب، غلامحسین و دیگران. (۱۳۸۰). «دائرة المعارف فارسی»، تهران: امیرکبیر.
- ۲۶- مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۵۹). «کلیات شمس»، تصحیح: بدیع الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر.
- ۲۷- _____، _____، (۱۳۸۱). «کلیات شمس»، تصحیح: توفیق سبحانی، تهران: نشر قطره.
- ۲۸- المناوی، محمدالرؤف. (۱۹۷۲). «فیض التدریس»، بیروت: دارالمعرفه، ط ۲.
- ۲۹- میر جلیل، اکرم. (۱۳۷۵). «تأثیر دقایق و لطایف بلاغی قرآن کریم در ادب فارسی»، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، پایان نامه دکتری.
- ۳۰- وزین پور، نادر. (۱۳۷۴). «مدح داغ ننگ به سیمای ادب فارسی»، تهران: انتشارات معین، چاپ اول.
- ۳۱- هاشمی، احمد. (۱۳۷۶). «جواهرالبلاغه فی المعانی والبیان والبدیع»، قم: مکتب- الاعلام الاسلامی.
- ۳۲- _____، _____، (۱۳۸۰). «جواهر البلاغه»، ترجمه ی: محمد خورسندی و حمید مسجدسرایبی، تهران: نشر فیض، چاپ دوم.
- ۳۳- همایی، جلال الدین. (۱۳۵۴). «فتون بلاغت و صناعات ادبی»، تهران.

فصلنامه‌ی لسان مبین (پژوهش ادب عربی)
(علمی - پژوهشی)
سال دوم، دوره‌ی جدید، شماره‌ی چهارم، تابستان ۱۳۹۰

الحکیم السنائی الغزنوی و الادب العربی

« دارة و تحلیل لقدرات السنائی الغزنوی فی إستخدام القرآن الفنی»*

الدكتور محمد شفيح الصفاری

أستاذ مساعد فی جامعة الامام خمینی الدولية «ره»

الملخص

أنَّ آدابنا التعليمية و الغنائية ، خاصة فی ما يتعلق ، بالمسائل العرفانية تمتعت من الينايع الجارية و المتداقة من أنوار الحق الساطعة و العبارات الصادقة التي تحمل النور و الهداية كما قال « و ما ينطق عن الهوى» بحيث تنجلي الغياهب و الظلمات من القلوب، إذا قُمنَا بدراسة هذه الآثار ، و من هذا المنطلق ، خلدت آثار أمثال السنائی الغزنوی ، العطار النيسابوری ، المولوی البلخي، السعدی الشيرازی ، الحافظ و... خلدت لأنها قدارتوت من الماء النمير الخالد .

والسنائی الغزنوی ، أبو الشعراء العرفانيين و أبو الشعر العرفانی الفارسی ، يكون نجماً من نجوم سماء الادب الايرانية ، إنه تبرز فنّه و قدراته فی إستخدام القرآن الفنی فی إحدى قصائده ، و هذا هو الموضوع الذي قام الباحث بدراسته و تحليله كى يبينه أكثر وضوحاً و دقةً . و السنائی الغزنوی ، فی قصيدته الخلاية هذه، قد تزین كل أبيات القصيدة بحلى الآيات . و ذلك فی صور بدعية مختلفة ، منها الاقتباس ، التلميح ، الترجمة ، الحل العقد الدرج و التضيمن .

الكلمات الدليلية

القرآن الكريم ، الآداب العربية و الفارسية، السنائی الغزنوی، الاقتباس و التلميح ، الترجمة و الحل و العقد .

* تاريخ القبول: ۱۳۹۰/۰۵/۲۰

تاريخ الوصول: ۱۳۹۰/۰۱/۱۰

عنوان بريد الكاتب الالكتروني: mshsaffari@tahoo.com